



آشنایی با خوشه های صنعتی و مشخصه های خوشه های صنعتی

مهندس عیسی منصورى*

مقدمه

امروزه توسعه خوشه های صنعتی نقش محوری و بارزی در سیاست های اقتصادی و صنعتی بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایفاء می نماید. اگر رویکردهای گذشته تمرکز بیشتری بر اقتصاد کلان و همین طور بنگاه های بزرگ داشته اند؛ اینک کسب و کار کوچک و خرد، احساس مسؤولیت نسبت به افزایش قابلیت رقابت این واحدها، بهبود ارتباطات شبکه ای، تأکید بر حمایت های غیرمستقیم، ترکیب رقابت و همکاری به منظور تقویت یادگیری و نوآوری، ارتقاء سطح همکاری واحدهای کوچک و بزرگ و تقویت مثلث همکاری «خوشه ها»، «دولت» و «دانشگاه» مورد تأکید و توجه بیشتری قرار می گیرد.

هر قدر نگاه به حل مسائل از سطح بین المللی، ملی و بخشی به سمت منطقه ای و محلی و مبتنی بر قابلیت های پویای سیستم های اجتماعی شکل یافته بر پایه فرایندهای طبیعی پیش می رود، توجه به کسب و کارهای متوسط، کوچک و خرد در قالب شبکه های ارتباطی قابل

تعریف، ذیل بحث توسعه خوشه ای، از اهمیت ویژه ای برخوردار می شود.

بیش از یک دهه است که توسعه صنعتی مبتنی بر خوشه ها، به عنوان یک استراتژی نوین مورد توجه برنامه ریزان و سیاستگذاران کشورهای صنعتی و در حال توسعه قرار گرفته است.

سازمان های بین المللی همچون UNIDO نیز طرح های متعددی را از طریق توسعه خوشه های صنعتی در کشورهای مختلف اجراء و حمایت کرده اند. در سال های اخیر، بحث توجه به صنایع کوچک و متوسط توسعه خوشه های صنعتی در داخل کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است. اما به نظر می رسد در سطح سیاست گذاری و پیاده سازی الگوی توسعه خوشه ای، کشور همچنان نیازمند حرکت های بنیادی و پایه ای است. جزوه حاضر کوششی است با هدف ایجاد ادبیات مشترک در زمینه توسعه خوشه های صنعتی و به عنوان گامی در راستای حرکت مذکور که با توجه به ویژگی های این بحث در

مشخص خوشه را تولید و ارائه می‌کنند، بلکه به علاوه تأمین‌کنندگان مواد اولیه، پیمانکاران فرعی، خریداران، صادرکنندگان، تأمین‌کنندگان ماشین‌آلات، نهادهای مختلف پشتیبان، مشاوران، خدمات عمومی، واحدهای مربوط به سیستم حمل و نقل و سایر تأمین‌کنندگان که تولید در خوشه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم تسهیل می‌کنند را نیز در بر می‌گیرد.

در کنار اینها، گروه‌های دیگری از فعالان مثل اتحادیه‌ها، گروه‌های همیار، تعاونی‌ها و NGOها که ترغیب‌کننده کسب و کار بخش‌های مختلف خوشه هستند نیز قرار می‌گیرند.

به مجموع‌های اشاره شده، «ذی‌نفعان خوشه» گفته می‌شود.

یک مثال از خوشه صنعتی

یک مثال خوب از یک خوشه صنعتی، خوشه سفال و سرامیک لالجین در استان همدان است. ذی‌نفعان اصلی این خوشه عبارتند از: تولیدکنندگان اصلی محصولات سفالی و سرامیکی تزئینی، آشپزخانه‌ای و بهداشتی؛ واحدهای تولیدکننده گِل؛ واحدهای تأمین‌کننده رنگ و لعاب؛ واحدهای سازنده ماشین‌آلات و تجهیزات و قطعات مربوطه؛ فروشگاه‌های محلی؛ صادرکنندگان؛ سیستم توزیع و فروش سنتی توسط کامیون‌داران و به همین ترتیب مرکز آموزش سفال و سرامیک؛ اتحادیه صنف تولید سفال و سرامیک؛ اتحادیه تولید و صادرکنندگان سفال و سرامیک؛ شهرک صنعتی لالجین و ...

خوشه‌های صنعتی سفال و سرامیک لالجین، ادوات کشاورزی‌مازندران، حوله‌بافی چله‌خانه تبریزی، قطعات خودروی تبریز، و سنگ اصفهان، مثال‌هایی از خوشه‌های داخل کشور و خوشه‌های کشف لوده‌یانا در هند، الکترونیک سیلیکون و سینمایی هالیوود در آمریکا و نساجی بیلا در ایتالیا، نمونه‌هایی از

سطح کشور، تنظیم شده است.

شایان یادآوری است که منظور از «صنعت» در این جزوه، کسب و کار به معنای فراگیر آن است و نه تولید کارخانه‌ای، بنابراین خدمات، کشاورزی و ... را نیز در بر می‌گیرد.

امر توسعه بنگاه‌های بخش خصوصی در قالب توسعه فوشه‌ای، به دلیل افزایش همکاری و انجام فعالیت‌های مشارکتی، دارای بازدهی بیشتری است.

تعاریف

تعریف خوشه صنعتی (Industrial Cluster)

خوشه صنعتی به مجموعه‌ای از واحدهای کسب‌وکار (Enterprises) اطلاق می‌شود که در یک منطقه جغرافیایی و یک گرایش صنعتی متمرکز شده و با همکاری و تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، به تولید و عرضه تعدادی کالا و خدمات می‌پردازند و از چالش‌ها و فرصت‌های مشترک برخوردارند.

به طور عمده خوشه‌ها تعداد زیادی واحدهای اقتصادی خرد، کوچک و متوسط را در بر می‌گیرند که از نظر جغرافیایی، این واحدها می‌توانند در سطح روستا، شهر و یا شهرستان پراکنده باشند.

بدین ترتیب، مشخصه خوشه‌های صنعتی؛ تمرکز جغرافیایی، همکاری در تکمیل فعالیت‌های یکدیگر، تولیدات و خدمات مشترک و همین‌طور چالش‌ها و فرصت‌های مشترک است.

زیر مجموعه‌های یک خوشه صنعتی

یک خوشه صنعتی، نه فقط شامل واحدهای کسب‌وکار (Enterprises) که تولیدات و یا خدمات

خوشه‌های صنعتی در سایر کشورها هستند.

مواردی که خوشه نیستند

یک خوشه به معنی بخش صنعتی که مثلاً در سطح یک استان و یا کشور گسترده شده؛ یک شهرک صنعتی که در آن صنایع مختلف مستقر و محصولات متعدد و مختلفی تولید می‌شود؛ گروه کوچکی از واحدهای اقتصادی که در کنار هم جمع شده و در یک کسب‌وکار به صورت موردی مشارکت می‌کنند، نیست. به همین ترتیب، به یک تعاونی که به منظور تقویت همکاری بین واحدهای اقتصادی ایجاد می‌شود، یک انجمن، اتحادیه و یا کنسرسیوم، خوشه اطلاق نمی‌گردد.

سیستم‌های پیمانکاری فرعی، شرکت‌های مادر و شرکت‌های بزرگ در بردارنده واحدهای متعدد و متفاوت نیز خوشه نیستند.

دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی خوشه‌های صنعتی

تقسیم‌بندی‌های مختلفی در مورد خوشه‌های صنعتی وجود دارد. از جمله، خوشه‌ها را می‌توان براساس نوع تولیدات یا خدماتی که ارائه می‌دهند، دسته‌بندی نمود. به عنوان مثال، خوشه‌هایی با فعالیت در زمینه تولیدات قطعات خودرو (خوشه قطعات خودرو تبریز)، خدمات مالی (خوشه خدمات مالی لندن)، توریسم (در آفریقای جنوبی)، تولید کاشی و سرامیک (در یزد) و ... وجود دارند.

در یک تقسیم‌بندی دیگر، خوشه‌ها را براساس پویایی، استقرار و پوشش جغرافیایی، به: خوشه‌های «صنایع محلی» (Local) که فقط بازارهای محلی را پوشش می‌دهند؛ خوشه‌های وابسته به منابع طبیعی محلی (Natural Resource-Depend Industries) که فعالیتشان به منابع و نهادهای مناطق محل استقرار وابسته است؛ و خوشه‌هایی که اساساً وابسته به محل استقرار خود، از نظر محیط کسب و کار نیستند و

به آنها خوشه‌های «تجاری شده» (Traded Industries) اطلاق می‌شود؛ بخش‌بندی می‌نمایند.

در یک دسته‌بندی دیگر، خوشه‌ها را می‌توان از نظر میزان توسعه‌یافتگی در منحنی عمرشان به خوشه‌های جنینی، شکل‌یافته، در مرحله توسعه و توسعه یافته تقسیم نمود.

دسته‌بندی دیگری نیز با توجه به سطح و نوع تکنولوژی خوشه‌ها وجود دارد که براساس آن، خوشه‌ها به Low Tech, Medium Tech, High Tech سنتی و هنری تقسیم می‌شوند.

تفاوت بین خوشه خودجوش و خوشه ایجادی

به طور معمول یک خوشه طبیعی به دلیل دسترسی به مواد اولیه، مهارت و یا وجود تقاضا در بازار، در گذر زمان، شکل گرفته است. این نوع از خوشه‌ها می‌توانند سابقه تاریخی چند ده ساله داشته باشند.

از سوی دیگر، واحدهای اقتصادی مشابهی هم می‌توانند به دلیل سیاست‌های سرمایه‌گذاری خاص و یا حمایت‌های زیرساختی دولتی و ... در یک منطقه مستقر و توسعه یابند. این واحدها می‌توانند به تدریج منجر به ایجاد یک خوشه شوند که در این حالت می‌توان از آنها به عنوان خوشه ایجادی یاد کرد.

اهمیت و تأثیر بزرگی و کوچکی خوشه بر موفقیت آن

اندازه و بزرگی خوشه در جذب نیروی کار متخصص، تأمین‌کنندگان و نهادها، تعیین‌کننده بوده و می‌تواند تأثیر مثبتی بر افزایش بهره‌وری واحدهای عضو خوشه داشته باشد. با این حال هنوز اندازه خوشه به عنوان یک مشخصه و معیار اصلی در موفقیت آن شناخته نشده است. موارد متعددی از خوشه‌های فعال در سطح جهانی وجود دارد که در عین موفقیت، تعداد واحدهای کمی را دربرداشته‌اند. به عنوان مثال، یک خوشه موفق صنعت چوب در اتریش وجود

یکی از مسیرها و ابزارهای قابل به‌کارگیری برای توسعه است.

از سوی دیگر، آنگاه که تعدادی خوشه در یک منطقه وجود داشته باشد، برای ورود و توسعه خوشه‌ها که نیازمند تخصیص منابع است، اولویت‌بندی خوشه‌ها اهمیت می‌یابد. این اولویت‌بندی به طور معمول براساس میزان اثربخشی آنها بر مشخصه‌های اقتصادی، صنعتی و اجتماعی منطقه صورت می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان بر مبنای تأثیر خوشه بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و صنعتی منطقه، توسعه خوشه‌های اثربخش‌تر را در اولویت قرار داد.

مشخصه خوشه‌های صنعتی؛ تمرکز جغرافیایی،

همکاری در تکمیل فعالیت‌های یکدیگر،

تولیدات و خدمات مشترک و همین‌طور پالاش‌ها

و فرصت‌های مشترک است.

اهمیت توسعه خوشه‌ای برای سیاستگذاران

اگرچه بخش دولتی مسئول مستقیم توزیع منابع توسعه در درون خوشه‌ها نیست، اما توسعه خوشه‌های صنعتی به دلایل متعددی برای سیاستگذاران اهمیت دارد، از جمله این که:

۱- خوشه‌های صنعتی می‌توانند موتور محرکه اقتصاد ملی و منطقه‌ای باشند. چرا که در نتیجه توسعه خوشه‌ها، بنگاه‌های درون خوشه با بازدهی بیشتر و استفاده تخصصی‌تر از امکانات و اولویت‌های موجود کار می‌کنند و زمانی واکنش آنها نسبت به بازار بسیار کمتر از حالتی خواهد بود که به صورت انفرادی کار می‌کنند. از سوی دیگر، بنگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی مرتبط به سطح جدید و بالاتری از توان‌نوآوری می‌رسند.

دارد که واحدهای آن کمتر از یک دوجین می‌باشند.

از سوی دیگر، خوشه‌های موفق نساجی پراتو در ایتالیا و همین‌طور تریپور در هند از نمونه‌هایی هستند که بیش از ۹۰۰۰ واحد کسب و کار را دربردارند.

آیا می‌توان خوشه صنعتی را ایجاد کرد؟

خوشه‌های جدید را می‌توان با سیاست‌های حمایتی فعال، ایجاد نمود. اگرچه با توجه به پیچیدگی موجود، تعداد و تنوع زیاد ذی‌نفعان مورد نیاز برای یک خوشه، ایجاد یک خوشه جدید نیازمند زمان، فراهم ساختن بسترهای لازم و تخصیص منابع بسیار زیادی است. مهم‌تر این‌که این حالت نیازمند سرمایه‌گذاری زیادی از سوی بخش خصوصی است که در جریان یک فرآیند پیچیده طبیعی و طی فازهای متعددی امکان‌پذیر خواهد بود. به همین دلیل بسیاری از کشورهای جهان که درگیر موضوع توسعه خوشه‌ها هستند، ترجیح داده‌اند تا بر ایجاد تحرک و توسعه خوشه‌های موجود تمرکز کنند، نه ایجاد خوشه‌های جدید.

اگر در منطقه یا استانی تعداد معدودی خوشه وجود داشته

باشد چه کار باید کرد؟

براساس اطلاعات موجود، در بیشتر مناطق و حتی در مناطق کمتر توسعه یافته کشور، تعداد زیادی خوشه وجود دارد. این خوشه‌ها متشکل از واحدهای صنعتی، صنایع دستی و هنری بوده و واحدهای خرد (با نیروی انسانی کمتر از ۱۰ نفر) زیادی را شامل می‌شوند.

در عین حال در این مناطق، نقاطی وجود دارند که در آنها تجمع تعدادی از واحدهای کسب و کار کوچک موجب می‌شود که در صورت ارتقاء سطح، شکل خوشه‌ای پیدا نمایند. با ورود واحدهای توسعه‌یافته‌تر و فعال‌تر به این تجمع‌ها و فعال شدن خوشه، می‌توان انتظار داشت که تجمع خوشه شکل جدی‌تری به خود گرفته و اقتصاد مناطق مورد نظر پویاتر شود. البته باید در نظر داشت که کمک به شکل‌گیری و توسعه خوشه‌ها،

۲- امر توسعه بنگاه‌های بخش خصوصی در قالب توسعه خوشه‌ای، به دلیل افزایش همکاری و انجام فعالیت‌های مشارکتی، دارای بازدهی بیشتری است. همچنین هزینه مداخله دولت در سطح تک تک واحدها بسیار زیاد و راندمان آن بسیار پائین است. به علاوه در صورت موفقیت فرآیند توسعه یک خوشه، این فرآیند الگوی مناسبی برای تسری و تعمیم به سایر مناطق و خوشه‌ها خواهد بود.

وجه بارز موارد فوق‌الذکر، تمرکزبخش سیاستگذاری بر توانمندسازی به جای مداخله مستقیم و در نتیجه، پایایی و پایداری توسعه حاصل از این روش است.

انتخاب صحیح خوشه‌ها، با توجه به حجم اثرگذاری آنها بر اقتصاد منطقه‌ای و ملی، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر موفقیت سیاستگذاران در این عرصه داشته باشد.

اقتصاد مبتنی بر خوشه

هیچ کشوری در همه رشته‌های صنعتی دارای مزیت نیست و به همین ترتیب نمی‌تواند دارای خوشه‌های صنعتی در همه رشته‌ها باشد. در مقابل، در صورتی که کشوری در رشته یا رشته‌های صنعتی خاصی دارای مزیت باشد و خوشه‌های مرتبط با صنایع مذکور نیز در کشور وجود داشته باشد، سیاست‌های صنعتی آن کشور می‌تواند بر توسعه خوشه‌های مذکور (که خوشه‌های هسته‌ای نامیده می‌شوند) متمرکز شود. در واقع در این حالت انتظار می‌رود توسعه خوشه‌های هسته‌ای موردنظر، توسعه صنعت و اقتصاد کشور را متأثر نماید.

تفاوت بین سیاست‌های توسعه خوشه‌ای و سیاست‌های

سطح صنعت

سیاست‌های سطح صنعت، متناسب با یک رشته صنعتی خاص بوده و دارای ابعاد محدود جغرافیایی

نیست. به علاوه یک رشته صنعتی مثل نساجی و یا صنایع فلزی دربردارنده زیر رشته‌ها و محصولات متعددی است. حال آن‌که یک خوشه صنعتی ممکن است تولید یک محصول خاص از یک رشته صنعتی را به دنبال داشته باشد. در حالی که سیاست‌های سطح صنعت منبعث از برنامه‌ها و مبتنی بر اولویت‌های ملی و برای یک صنعت خاص طراحی می‌شوند، سیاست‌های توسعه خوشه‌ای باید به گونه‌ای انعطاف‌پذیر، ظرفیت توسعه خوشه‌ها را مبتنی بر رویکرد ملی، اما در سطوح منطقه‌ای و محلی ارتقاء دهند. بنابراین این دو با تأثیر متقابل، همدیگر را تقویت می‌نمایند.

تفاوت توسعه منطقه‌ای و توسعه خوشه‌ای

توسعه منطقه‌ای به طور عمده دستیابی به همه اهداف اقتصادی و ... در یک منطقه مشخص را مدنظر قرار می‌دهد؛ در حالی که توسعه خوشه‌ای مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را که تولید یک (یا یک دسته) محصول یا خدمات مشخص را در قالب همکاری‌های تکمیل‌کننده شکل می‌گیرند، در کنار نهادها و بنگاه‌های پشتیبان و تأمین‌کننده دنبال می‌نماید. اگرچه خود این کار توسعه محلی و منطقه‌ای را تقویت می‌کند.

تفاوت خوشه و شبکه (Network)

چنان که گفته شد، خوشه مجموعه‌ای از واحدهای کسب و کار است که در مورد آنها ۴ مشخصه «تمرکز جغرافیایی»، «گرایش صنعتی مشترک»، «روابط همکاری» و «چالش‌ها و فرصت‌های مشترک» وجود داشته باشد. اما شبکه (Network) به گروهی از واحدها اطلاق می‌شود که برای تولید یک کالا یا انجام یک پروژه خاص با هم در ارتباط بوده، همدیگر را تکمیل کنند و برای مواجهه با مسأله‌ای واحد، تخصص یابند و تقاضایی را با تکیه بر توانایی‌های خود پوشش دهند. شکل‌گیری یک شبکه می‌تواند مقطعی بوده و

انواع روش‌های توسعه خوشه‌ای

مراجعه به منابع و تجارب مختلف در زمینه توسعه خوشه‌های صنعتی در سطح جهان، نشان می‌دهد که آنگاه که ورود به یک خوشه و اجرای فرآیند توسعه‌ای در آن مدنظر قرار می‌گیرد، علی‌رغم وجود تفاوت‌های صوری، همه آنها در برداشتن چند گام اصلی مشترک هستند. از جمله روش‌های موجود در جهان می‌توان به تجارب در نیوزلند، مکزیک، هند، اتریش و ... اشاره نمود. از سوی دیگر، تجربه ایتالیا که نه با ورود به خوشه، بلکه با تأکید بر سیاست‌های ملی، منطقه‌ای و محلی، توسعه نواحی و خوشه‌های صنعتی را دنبال می‌نماید نیز قابل توجه است.

پروژه توسعه خوشه‌ای

یک پروژه توسعه خوشه صنعتی، کوششی برنامه‌ریزی شده است که توسط یک مؤسسه توسعه‌ای (از درون یا بیرون خوشه) با همکاری و کمک نهادهای مختلف محلی جهت ارتقاء سطح پویایی یک خوشه و بهبود قابلیت رقابت‌پذیری آن به اجراء در می‌آید.

یک پروژه توسعه خوشه‌ای از یک سو بر ارتباطات درونی بخش‌های مختلف خوشه تمرکز کرده و از سوی دیگر، به زنجیره ارزش اقتصادی که خوشه صنعتی مورد نظر بخشی از آن است، توجه دارد. بنابراین سعی می‌کند از «تأمین مواد و نهادهای اولیه» گرفته تا «ارائه محصول و خدمات»، مصرف‌کننده‌نهایی را به مسیری صحیح‌تر هدایت و راهبری نماید.

بنابراین در این فرآیند، ضمن توجه به روندها و سناریوهای بین‌المللی، ملی و سطح صنعت، بر مشکلات موجود و مسیرهای توسعه خوشه تأکید می‌شود به طور معمول خوشه‌ها دارای یک یا چند مشکل یا گلوگاه اصلی هستند. این گلوگاه‌ها می‌تواند در حوزه‌های تکنولوژی، بازار، سطح سرمایه اجتماعی و اعتماد،

ایجاد یک خوشه جدید نیازمند، زمان، فراهم ساختن بسترهای لازم و تفصیص منابع بسیار زیاد است.

سپس از بین برود. برای عضویت در یک شبکه، استقرار در محلّ جغرافیایی خاصّ ضروری نیست. تعداد زیادی شبکه می‌تواند ذیل یک خوشه نیز شکل گیرد. به همین ترتیب، واحدهای زیرمجموعه یک خوشه می‌توانند به صورت شبکه‌ای با واحدهای خارج از خوشه در ارتباط باشند.

در بسیاری از موارد، شبکه واحدها به اشتباه خوشه خوانده می‌شود.

متدلوژی توسعه خوشه‌ای

رویکرد بنیادی در توسعه خوشه‌های صنعتی

رویکرد بنیادی در توسعه خوشه‌های صنعتی به عنوان یک سیستم اقتصادی، اجتماعی و صنعتی، مبتنی بر دو پایه «توانمندسازی» (Empowerment) و «پایایی» (Sustainability) است. در توانمندسازی کوشش می‌شود قابلیت‌های خوشه مبتنی بر هنجارهای خود خوشه، شکوفا گردد، بنابراین زمینه‌ها، بسترها و فرصت‌های لازم برای توانمند شدن، فراهم می‌گردد. اما همه این موارد به گونه‌ای صورت می‌گیرد که در دراز مدت، ذی‌نفعان خوشه بتوانند خود را راهبری کرده و بدون نیاز به مداخله مستقیم خارجی، خود را مدیریت نمایند. این امر، مستلزم آموزش و مشارکت ذی‌نفعان در مراحل مختلف فرآیند توسعه خوشه و ممارست و سعی و خطای ذی‌نفعان خوشه در عمل است. در این صورت می‌توان به پایابودن فرآیندها و ساختارهای شکل‌گرفته در خوشه، به صورتی پویا، امیدوار بود.

کیفیت و ... باشد.

۴- تدوین برنامه عمل (Action Plan)

۵- پیاده‌سازی (Implementation)

۶- خروج

زمان موردنیاز برای اجرای یک پروژه توسعه خوشه‌ای

زمان مورد نیاز برای اجرای یک پروژه توسعه خوشه‌ای مدّت زمان اجرای پروژه به طور کامل وابسته به حصول زیرمجموعه‌های خوشه به سطحی از توانمندی است که بتوانند به صورت مشارکتی و نهادینه شده، مسائل پیش روی خود را شناخته و مدیریت نمایند. با توجه به مشخصات منحصر به فرد هر خوشه و ضرورت‌های اختصاصی آن، فرآیند توسعه خوشه نیز به زمان‌های متفاوتی نیاز دارد، اما به طور معمول اجرای این پروژه‌ها بیش از سه سال طول می‌کشد.

به عبارت دیگر، عامل توسعه خوشه پس از اجرای پروژه‌های فراگیر موردنظر و ارتقاء سطح خوشه، آن گاه که خوشه به سطح مناسبی از پویایی پایا (Sustainable) رسید، از خوشه خارج گردیده و جریان توسعه خوشه به اتکای نظام شکل گرفته در درون آن دنبال خواهد شد.

منبع:

نشریه سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی

شناسایی صحیح و کامل مسائل مبتلاء به خوشه و طراحی بهترین راه‌کارهای مبتنی بر مشارکت، پیش‌نیازهای اصلی توسعه یک خوشه است.

مسئولیت اجرایی یک پروژه توسعه خوشه‌ای با کیست؟

به طور معمول پروژه‌های توسعه خوشه‌ای با مسئولیت سازمان‌های توسعه‌ای، عمومی و بعضی مواقع فعالان درون خوشه صورت می‌گیرد. مسئولیت مستقیم راهبری یک پروژه توسعه خوشه‌ای بر عهده عامل توسعه خوشه (Cluster Development Agent) است.

مشخصات عامل توسعه خوشه

عامل توسعه خوشه به طور عمده فردی است با تحصیلات دانشگاهی مرتبط (ترجیحاً مهندسی صنایع، اقتصاد و مدیریت) و تجربه کافی (حداقل ۵-۴ سال) در حوزه صنایع کوچک و متوسط که دارای قابلیت‌های راهبری، ایجاد ارتباط مثبت و اثربخش، قدرت تحلیل اقتصاد کسب و کار، آشنا به رویکردهای کل‌گرا و سیستمی، مدیریت استراتژیک، توان حل تعارضات، روحیه پویا و فعال و ترجیحاً دارای سنّ بین ۲۰-۵۰ سال.

گام‌های اصلی در فرآیند توسعه یک خوشه صنعتی

اگرچه در مدل‌ها و روش‌های مختلف توسعه خوشه‌ای از اصطلاحات فازهای مختلفی یاد می‌شود؛ اما اغلب روش‌ها، به ویژه روش‌هایی که به خوبی در مناطق مختلف جهان به اجرا درآمده‌اند، با طی مراحل یا گام‌های اصلی زیر به اجرا درمی‌آیند:

۱- انجام مطالعه شناختی

۲- افزایش سطح سرمایه اجتماعی (Social Capital)

۳- حصول چشم‌انداز مشترک (Common Vision)